

Supporting Third Parties in Cases of Managers' Violations in Transactions of Joint Stock Company Transactions in Iranian and British Law

Somayeh Rahmani^{1*}, Mohammad Ali Ahmadipour², Habib Ramezani Akerdi³

1. Ph.D. Student of Private Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. PhD Student of Private Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
3. Department of Law, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University (IKIU), Qazvin, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 885-902

Article history:

Received: 7 Jul 2022

Edition: 13 Sep 2022

Accepted: 1 Nov 2022

Published online: 26 Feb 2023

Keywords:

third parties, directors, joint stock company, transactions, damages.

Corresponding Author:

Somayeh Rahmani

Address:

Iran, Tehran, Islamic Azad University, Central Tehran Branch.

Orchid Code:

0000-0003-1268-2822

Tel:

09127825993

Email:

prsrahamanim@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aims: The rights of third parties in the transactions of joint stock companies are important issues that need to be discussed. The purpose of this article is to examine the protection of third parties in cases of violations of the regulations of joint stock companies in Iranian and British law.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. The materials and data are also qualitative and data collection has been used.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are respected.

Findings: Both in Iranian law and in English law, the legislator is committed to protecting the rights of third parties in the transactions of joint stock companies. In the laws of the two countries, the transactions of directors of joint-stock companies with third parties have atiyar. From this point of view, the company's claim that the manager of the company has made transactions with third parties outside of his competence and authority is not accepted.

Conclusion: The guarantee of the implementation of the protection of the rights of third parties is the responsibility of those who authorized such a transaction, which includes the board of directors and the CEO or beneficial managers. They are jointly and severally responsible for the damages.

Cite this article as:

Rahmani S, Ahmadipour MA, Ramezani Akerdi H. Supporting Third Parties in Cases of Managers' Violations in Transactions of Joint Stock Company Transactions in Iranian and British Law. *Economic Jurisprudence Studies*. 2022.

فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره چهارم، شماره پیاپی ۵، سال ۱۴۰۱

حمایت از اشخاص ثالث در موارد تخلف مدیران در معاملات شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و انگلیس

سمیه رحمانی^{۱*}، محمدعلی احمدی پور^۲، حبیب رضانی آکردی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۳. عضو هیئت علمی گروه حقوق، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: حقوق اشخاص ثالث در معاملات شرکت‌های سهامی از موضوعات مهمی است که نیازمند بحث و بررسی است. هدف مقاله حاضر بررسی حمایت از اشخاص ثالث در موارد نقض مقررات معاملات شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و انگلیس است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: هم در حقوق ایران و هم در حقوق انگلستان، قانون‌گذار به حمایت از حقوق اشخاص ثالث در معاملات شرکت‌های سهامی همت گماشته است. در حقوق دو کشور، معاملات مدیران شرکت‌های سهامی با اشخاص ثالث، دارای اعتبار است. از این منظر، استناد شرکت به اینکه مدیر شرکت خارج از صلاحیت و اختیارات خود، اقدام به معامله با اشخاص ثالث کرده است، پذیرفته نیست. حمایت از حقوق اشخاص ثالث به گونه‌ای است که حتی اگر مدیر بدون طی قواعد شرکت انتخاب شده باشد و یا تاریخ مدیریت وی منقضی شده باشد و یا معامله شرکت از سوی مجمع عادی آن نیز مورد تصویب قرار نگیرد باز هم معامله مدیر عامل با شخص ثالث معتبر است.

نتیجه: ضمانت اجرای حمایت از حقوق اشخاص ثالث بر عهده کسانی است که اجازه چنین معامله‌ای را داده‌اند که هیئت مدیره و مدیر عامل یا مدیران ذی‌نفع را شامل می‌شود. آن‌ها به‌صورت تضامنی مسئولیت جبران خسارت وارده را برعهده دارند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۸۸۵-۹۰۲

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۶

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۶/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۰۷

واژگان کلیدی:

اشخاص ثالث، مدیران، شرکت سهامی، معاملات، خسارت.

نویسنده مسئول:

سمیه رحمانی

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

کد ارکید:

0000-0003-1268-2822

تلفن:

۰۹۱۲۷۸۲۵۹۹۳

پست الکترونیک:

prsrhmanim@gmail.com

۱. مقدمه

در این مقاله تلاش شده است به‌صورت تطبیقی با حقوق انگلیس، موضوع مورد اشاره بررسی شود. ذکر این نکته ضروری است که قرار داشتن حقوق ایران و انگلیس در دو نظام حقوقی متفاوت اسلام و کامن لا، مطالعه تطبیقی حقوق دو کشور را به‌ویژه به‌دلیل وجود مفاهیم و نهادهای حقوقی خاص هر یک که در دیگری بیگانه است، مشکل کرده است. با وجود این همین تفاوت ساختار، می‌تواند نقش مهمی در تبیین دقیق‌تر حقوق شخص ثالث در معاملات شرکت‌های سهامی در حقوق ایران ایفا کند؛ زیرا از بررسی ماده ۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت ایران و ماده ۸۱ قانون شرکت‌های انگلیس مصوب ۱۹۸۵ می‌توان دریافت که میان شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و انگلیس نیز شباهت‌های فراوانی وجود دارد. از جمله اینکه در حقوق هر دو کشور شرکت‌های سهامی به دو نوع عام و خاص تقسیم می‌شوند. شرکت سهامی عام می‌تواند سرمایه مورد نیاز خود را از طریق پذیره-نویسی و عرضه سهام به عموم مردم تأمین کند؛ ولی سرمایه شرکت سهامی خاص باید تماماً توسط مؤسسان تعهد و پرداخت شود.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

یکی از موضوعات محل بحث و نظر، معاملات شرکت‌های سهامی با حقوق شخص ثالث است. موضوع مهم در این خصوص حقوق شخص ثالث در معاملات شرکت‌های سهامی است. اینکه وضعیت حقوق شخص ثالث در معاملات شرکت‌های سهامی در شرایطی که مدیر عامل از اختیارات خود تجاوز کرده باشد، چگونه است. اگر مدیران از سایر محدودیت‌های وارده بر اختیارات خود، غیر از محدودیت مرتبط با موضوع شرکت، تخلف ورزند ضمانت اجرای این تخلف چیست؟ به‌بیان دیگر در شرکت‌های سهامی عام اختیارات بین مجامع و هیئت مدیره تقسیم و وظایف هر یک، علاوه بر قانون از طریق اساسنامه مشخص می‌شود. هم‌چنین گاه اختیارات مدیران در انجام پاره‌ای معاملات از طریق تصمیماتی که سهام‌داران اتخاذ می‌کنند محدود می‌شود. مثل فروش برخی اموال شرکت یا اخذ مبالغ عمده وام و دادن تضمین و وثیقه، منوط به تصویب از سوی مجمع عمومی می‌شود. سؤالی که در این خصوص مطرح می‌شود این است که اگر مدیران از این‌گونه محدودیت‌ها که به‌وسیله اساسنامه یا تصمیمات مجمع عمومی بر اختیارات آن‌ها وارد می‌شود، تخلف ورزند و در نتیجه این تخلف معامله‌ای انجام دهند ضمانت اجرای آن چیست؟ آیا محدودیت مورد بحث در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد است و شرکت می‌تواند به بهانه تخلف مدیران از حدود وظایف خویش از اجرای معاملات مذکور شانه خالی کند؟ نوآوری مقاله حاضر بررسی همین موضوع است. فرضیه مقاله نیز بدین شکل قابل طرح است که «در حقوق دو کشور ایران و انگلیس، معاملات انجام‌شده با اشخاص ثالث از سوی مدیر دارای اعتبار است».

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

هم در حقوق ایران و هم در حقوق انگلستان، قانون‌گذار به حمایت از حقوق اشخاص ثالث در معاملات شرکت‌های سهامی همت گماشته است. در حقوق دو کشور، معاملات مدیران شرکت‌های سهامی با اشخاص ثالث، دارای اعتبار است. از این منظر، استناد شرکت به اینکه مدیر شرکت خارج از صلاحیت و اختیارات خود، اقدام به معامله با اشخاص ثالث کرده است پذیرفته شده نیست. حمایت از حقوق اشخاص ثالث به گونه‌ای است که حتی چنانچه مدیر بدون طی قواعد شرکت انتخاب شده باشد و یا تاریخ مدیریت وی منقضی شده باشد و یا معامله شرکت از سوی مجمع عادی آن نیز مورد تصویب قرار نگیرد باز هم معامله مدیر عامل با شخص ثالث معتبر است.

۵. بحث

قدرت و اختیارات مدیریت با توجه به هدف و موضوع فعالیت شرکت به وسیله اساس‌نامه محدود می‌شود. وفق این قاعده کلی شرکت فقط آن دسته از اعمال حقوقی را می‌تواند اجرا کند که در حیطه موضوع آن قرار داشته باشد. به این دلیل که شرکت خارج از هدف و موضوع خود به وجود نمی‌آید. بنابراین برای انجام اعمال خارج از حیطه موضوع خود از اهلیت و توانایی حقوقی برخوردار نیست. در حقوق انگلیس

قاعده مزبور از اهمیت برخوردار است؛ به صورتی که شرکت نمی‌تواند به طور مؤثر عملی را که خارج از حدود اختیاراتش است انجام دهد. اختیارات شرکت در زمینه موضوع آن صراحتاً یا به طور ضمنی توسط قانون موضوعه یا اساس‌نامه شرکت مشخص می‌شود و هر گونه فعالیتی که به طور ضمنی زائد بر اختیارات باشد معتبر و نافذ نخواهد بود؛ حتی اگر همه اعضای شرکت با آن موافق باشند. موضوع شرکت نیز به طور قاطع و صریح حد و حدود اختیارات و قدرتی را که به وسیله قانون به شرکت داده شده است بیان می‌کند. هم‌چنین بیانگر این امر است که در صورت ضرورت و نیاز هیچ عملی خارج از موضوع قابل انجام نیست و نباید اموری غیر از آنچه مشخص شده است صورت بگیرد. قاعده مزبور امروزه جهت حمایت سرمایه‌گذاران و طلبکاران در برابر تغییر فعالیت‌های بازرگانی و ازهم‌پاشیده شدن شرکت است (زمانی کتشی، ۱۳۷۶). در این قسمت ابتدا، حمایت از اشخاص ثالث در موارد نقض مقررات معاملات شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و سپس در حقوق انگلیس بررسی می‌شود.

۵-۱. حمایت از اشخاص ثالث در موارد نقض مقررات معاملات شرکت‌های سهامی در حقوق ایران

به موجب قاعده خارج از حدود اختیارات، هر سهامدار می‌تواند اقامه دعوی کند و مانع شود که شرکت عمل خارج از موضوع انجام دهد (اگرچه از اهداف این قاعده حمایت از طلبکاران نیز است؛ ولی معمولاً طلبکاران از حقی مشابه سهام‌داران در این رابطه برخوردار نیستند). آنچه حائز اهمیت است این است که همه

قراردادهای منعقد شده بدون در نظر گرفتن قاعده مزبور باطل است و اعتبار ندارد؛ حتی اگر همه سهام‌داران شرکت به اتفاق به آن رأی مثبت دهند و آن را تأیید کنند. چنین قراردادی علیه شرکت قابل اجرا نیست و شرکت نیز نمی‌تواند این قرارداد را علیه شخص طرف معامله اجرا کند. گرچه قاعده یاد شده هر عمل حقوقی را که خارج از موضوع باشد باطل و بلااثر می‌داند؛ ولی تفسیری که توسط دادگاه‌ها در این زمینه ارائه شده است چنین است: «هر چیزی که به طور متعارف تابع موضوعات مشخصات شرکت باشد را باید حداقل در محدوده اختیارات آن به شمار آورد». در این خصوص بین قراردادهایی که به وضوح خارج از موضوع شرکت هستند و قراردادهایی که به طور آشکار از موضوع شرکت خارج نیستند تفاوت وجود دارد. قراردادهای نوع اول باطل هستند. بدون در نظر گرفتن آگاهی طرف معامله از موضوع شرکت. قراردادهای نوع دوم معتبر است مگر اینکه طرف معامله از موضوع شرکت و آنچه که خارج از موضوع شرکت است مطلع باشد. انتقادی که به این قاعده وارد شده این است که قاعده مزبور دام برای اشخاص ثالث ناآگاه و وسیله‌ای برای اذیت و آزار خود شرکت است؛ چرا که در عمل یک بازرگان معمولاً نمی‌تواند تحقیق و بررسی کند که آیا یک معامله خاص شرکت داخل در حیطه موضوع آن است یا خیر. بلکه آن‌ها با شانس و اقبال به تجارت مبادرت می‌ورزند؛ مگر اینکه معامله دارای اهمیت باشد. به این نحوه که شرکت با استناد به این قاعده می‌خواهد از تعهداتی که به عهده گرفته است بگریزد.

«پاره‌ای از نویسندگان حقوق تجارت، محدود شدن اختیارات مدیر عامل توسط هیئت مدیره یا بر اساس

اساس‌نامه و یا مصوبات مجامع عمومی را در برابر اشخاص ثالث قابل استناد ندانسته و در واقع، قاعده یکسانی را بر مدیر عامل و هیئت مدیره جاری کرده‌اند. این نظریه بر این باور استوار است که مدیر عامل شرکت سهامی مانند اعضای هیئت مدیره، در مقابل اشخاص ثالث برای عملیاتی که انجام می‌دهد، مختار محسوب می‌شود» (عیسایی تفرشی، ۱۳۸۶، ج ۲، ۹۶). بعضی در این باره به ماده ۱۳۵ لایحه اصلاحی استناد می‌کنند: «کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیر عامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است و نمی‌توان به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب آن‌ها اعمال و اقدامات آنان را غیر معتبر دانست» (کیایی، ۱۳۵۰، ج ۱، ۱۴۱). «برخی دیگر از نویسندگان نیز به وحدت مالک ماده ۱۱۸ لایحه اصلاحی که حمایت از اشخاص ثالث است و نیز قیاس اولویت نسبت به ماده ۱۲۱ لایحه مزبور (که در فرض رعایت نکردن تشریفات مربوط به اصل انتخاب مدیر عامل، اعمال او را در برابر اشخاص ثالث معتبر دانسته است)، استناد کرده‌اند و معتقدند تحدید اختیارات مدیر عامل در برابر اشخاص ثالث قابل استناد نیست» (محسنیو دیگران، ۱۳۹۴، ۱۴۰).

«استدلال به ماده ۱۳۵ لایحه اصلاحی برای اثبات این مدعا قابل رد است؛ زیرا مفاد ماده مذکور صرفاً ناظر به عدم پذیرش ایراد مربوط به سمت مدیران و مدیر عامل به دلیل عدم رعایت مقررات مربوط به انتخاب آن‌ها است؛ نه اینکه تمام اعمال مدیر عامل؛ ولو آنکه خارج از محدوده اختیارات مصوب باشد، در برابر اشخاص ثالث معتبر محسوب شود. هم‌چنین، معتبر دانستن اعمال مدیر عاملی که از محدوده

اختیارات اساسنامه‌ای یا مصوبات ارکان داخلی شرکت خارج شده است و عدم قابلیت استناد آن‌ها در برابر اشخاص ثالث با ساختار و مفهوم مواد ۱۲۵، ۱۲۴ و ۱۲۸ لایحه اصلاحی و نیز جایگاه مدیر عامل تعارض آشکار دارد» (اسکینی، ۱۳۹۳، ج ۲، ۲۰۶) «همینطور در ارتباط با ماده ۱۲۶ نیز ظاهراً قیاس مع الفارق است، چه رسد به وجود اولویت» (بازگیر، ۱۳۷۸، ۱۴۹-۱۴۷). شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور نیز در رأی ۱۶۶۴/۱۹ مورخ ۱۳۶۷/۱۱/۱۶ بیان می‌دارد: «مقررات ماده ۱۳۵ اصلاحیه قانون تجارت ناظر به جایی است که اعمال و اقدامات مدیران و مدیر عامل شرکت در حدود اساسنامه و اختیارات تفویض شده به آنان صورت گرفته، النهایه در نحوه انتخاب آن‌ها اجرا نشده باشد». «نظریه قابلیت استناد محدودیت‌های اختیار مدیر عامل در برابر اشخاص ثالث، با واقعیت‌های عملی انطباق نداشته و به نظر می‌رسد همانند هیئت مدیره، باید بر این نظر بود که محدودیت‌های اختیارات مدیر عامل در برابر اشخاص ثالث با حسن نیت غیر قابل استناد باشد» (بازگیر، ۱۳۷۸، ۱۴۹-۱۴۹).

۵-۱-۱. دلایل حمایت از اشخاص ثالث در موارد نقض مقررات معاملات شرکت‌های سهامی در حقوق ایران

«مهم‌ترین دلیل این مدعا تحلیل ماده ۲۷۰ لایحه قانونی است. طبق این ماده، چنانچه مقررات قانونی درباره تصمیمات هر یک از ارکان شرکت رعایت نشود، دادگاه به درخواست هر ذی‌نفع حکم به بطلان آن تصمیم می‌دهد، اما طبق حکم ذیل این ماده،

بطلان تصمیم مذکور در برابر اشخاص ثالث قابل استناد نیست. از حکم این ماده به‌صراحت فهمیده می‌شود که چنانچه قانون‌گذار برای اعتبار تصمیمات هر یک از ارکان شرکت شرایطی را ذکر کرده باشد؛ ولی مرجعی بدون رعایت آن ترتیبات و تشریفات، تصمیمی بگیرد یا اقدامی انجام دهد، گرچه تصمیم یا اقدام مذکور باطل است؛ ولی این بطلان در برابر اشخاص ثالث قابل استناد نیست. به بیان دیگر، تصمیم و عمل در برابر اشخاص ثالث معتبر است. در مورد مدیر عامل نیز اگرچه قانون‌گذار حدود اختیارات مدیر عامل را محدود کرده است (به مواردی که هیئت مدیره به او اعطای اختیار کرده است)، چنانچه مدیر عامل از حکم قانونی مذکور تخطی کند و معامله‌ای خارج از حدود اختیارات قانونی انجام دهد، آن معامله به حکم ماده ۲۷۰ لایحه قانونی باطل است؛ ولی این بطلان در برابر اشخاص ثالث قابل استناد نیست» (حیدرپور، ۱۳۸۲، ۸۹). «در نتیجه، باید به اعتبار معامله در برابر اشخاص ثالث با حسن نیت نظر داد. افزون بر آن، می‌توان استدلال کرد که در صورت نقض مقررات قانونی توسط مدیران، با آنکه همه افراد نسبت به مقررات قانونی آگاه فرض می‌شوند، باین حال به حکم مواد ۱۱۸ و ۲۷۰ لایحه قانونی بطلان عمل انجام‌شده در برابر اشخاص ثالث قابل استناد نیست. پس به طریق اولی در صورت نقض محدودیت‌های مندرج در اساسنامه یا مصوبات هیئت مدیره (که اشخاص ثالث اغلب جاهل به آن هستند)، بطلان اعمال مدیر عامل در برابر اشخاص ثالث قابل استناد نیست و باید نظر به اعتبار آن اعمال در برابر اشخاص ثالث با حسن نیت داد. افزون بر دلیل قانونی فوق که در نوشته‌های موجود مورد توجه قرار نگرفته است، می‌توان به دلایل تحلیلی برای اثبات

این مدعا استناد کرد» (اسکینی، ۱۳۹۳، ج ۲، ۲۰۹-۲۰۶). اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری، خطراتی را برای اشخاص ثالث به همراه دارد. یکی از موضوعاتی که در این زمینه، می‌تواند حقوق اشخاص ثالث را تحت تأثیر قرار دهد «معاملات خارج از موضوع شرکت» است؛ زیرا امکان دارد مدیران شرکت در معامله با اشخاص ثالث از موضوع شرکت تخطی نمایند.

۵-۱-۲. معاملات مدیران منتخب قانونی نسبت به اشخاص ثالث

معاملات مدیران نسبت به اشخاص ثالث در فرضی که سمت مدیران از نظر طرز انتخاب و یا مدت آن قابل مناقشه نباشد اصولاً صحیح است و نمی‌توان به آن خدشه‌ای وارد کرد. «برخی حقوق‌دانان بر این نظرند که اساس‌نامه شرکت بعضی اوقات مدیران را از عمل به خصوصی نهی و یا اقدام آن‌ها را موقوف به تصویب مجمع عمومی می‌نمایند؛ مانند رهن‌گذاران اموال شرکت و امثال آن» (صفری، ۱۳۸۷، ۸۹). «چون اشخاص خارج و معامله‌کنندگان با شرکت هر یک نمی‌توانند اساس‌نامه و تصمیمات مجمع عمومی را به دست آورده و حدود اختیارات مدیران را بدانند. از این جهت قانون تجارت مقرر داشته جز درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آنان در صلاحیت خاص مجمع عمومی است، مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می‌باشند. مشروط بر اینکه تصمیمات و اقدامات آن‌ها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساس‌نامه شرکت یا به موجب تصمیمات مجامع

عمومی، فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل کان لم یکن است. عدم قابلیت استناد محدود بودن اختیارات مدیران، در حقوق اتحادیه اروپا و کشورهای اروپایی نیز پذیرفته شده است. دستورالعمل شماره ۶۸ - ۱۵۱ مورخ ۹ مارس ۱۹۶۸ شورای اروپا مدیران شرکت‌ها را دارای اختیارات کامل در مقابل معامله‌کنندگان دانسته است. بنابراین اگر مدیران خارج از حدود اختیارات خود با اشخاص ثالث قراردادی منعقد کنند، محدودیت مزبور در برابر اشخاص ثالث قابل استناد نخواهد بود و قراردادهای منعقدشده، شرکت را متعهد می‌سازد» (فرحناکیان، ۱۳۷۸، ۱۱). در همین راستا، بند نخست ماده ۳۹ قانون شرکت‌های انگلیس مصوب سال ۲۰۰۶ در این زمینه مقرر می‌دارد: «اعتبار اقدام شرکت نباید بر اساس ادعا فقدان اهلیت صرفاً به این دلیل که در اساس‌نامه چیزی در این رابطه وجود ندارد زیر سؤال رود».

هم‌چنین، مطابق ماده ۴۰ قانون شرکت‌های انگلیس مصوب سال ۲۰۰۶: «اختیار مدیران برای ملزم کردن شرکت چنین است: ۱. جهت رعایت مصلحت اشخاص ثالثی که با شرکت معامله می‌کنند، فرض این است اختیارات مدیران تابع محدودیت‌های اساس‌نامه‌ای نیست. ۲. در این رابطه: الف) شخص، ثالث ملزم به تحقیق در مورد محدودیت اساس‌نامه‌ای اختیارات مدیران نیست. ب) فرض بر این است که شخص ثالث طرف معامله با شرکت دارای حسن نیت است. ج) صرف اطلاع او از اقدام خارج از حدود اختیارات اساس‌نامه‌ای توسط مدیران نشان‌دهنده سوءنیت شخص ثالث نیست». از این رو معاملات مدیران قانونی شرکت، نسبت به اشخاص ثالث در هر صورت

صحیح بوده است؛ مگر اینکه یکی از عناصر اساسی قراردادهای مانند اهلیت و یا قصد و رضا و غیره در آن مخدوش باشد.

۵-۱-۳. معاملات مدیران منتخب غیر قانونی نسبت به اشخاص ثالث

«معامله مدیران با اشخاص ثالث در فرضی که سمت مدیران از نظر طرز انتخاب و یا مدت آن دارای اشکال باشد نیز دارای اعتبار بوده و صحیح تلقی می‌شود» (حسنی، ۱۳۸۰، ج ۲، ۳۰-۲۵). «مستند این ادعا ماده ۱۳۵ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ می‌باشد» (صفری، ۱۳۸۷، ۵۱۲). این ماده مقرر می‌دارد: «کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیر عامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است و نمی‌توان به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب آن‌ها، اعمال و اقدامات آنان را غیر معتبر دانست». هم‌چنین مستند دیگر آن قسمت آخر ماده ۱۱۸ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ است که مقرر می‌دارد: «محدود کردن اختیارات مدیران در اساس‌نامه و یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است» (ماده ۱۱۸ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷). «به علاوه رأی شماره ۱۷۷ مورخ ۷۴/۳/۲ شعبه ۶ دیوان عالی کشور نیز مؤید این ادعاست. طبق این رأی هر چند به موجب احکام صادر از دیوان عدالت اداری انتصاب مدیران دولتی شرکت غیر قانونی و باطل اعلام گردیده؛ لیکن به موجب ماده ۱۳۵ لایحه اصلاح قانون تجارت کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیر عامل در مقابل

شخص ثالث نافذ و معتبر است و نمی‌توان به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب آن‌ها اعمال و اقدامات آن‌ها را غیر معتبر دانست. بنابراین حتی اگر طرز انتخاب مدیران شرکت‌های سهامی باطل باشد و یا مدت آن منقضی شود تصمیمات آن‌ها در مقابل اشخاص ثالث معتبر بوده و شرکت نمی‌تواند به این بهانه از انجام تعهدات پذیرفته شده شانه خالی کند. شایان ذکر است در این موارد نیز در صورت عدم رعایت قواعد عمومی قراردادهای به شرحی که در قسمت اول گذشت حق درخواست ابطال اعمال حقوقی منتفی نمی‌باشد» (حسنی، ۱۳۸۰، ج ۲، ۶۰۵-۶۰۴).

مدیر عامل و دیگر مدیران در شرکت دو نوع وظیفه دارند. اولاً انجام اقداماتی که طبق نظر مجمع عمومی معتبر شده‌اند. دوماً تصمیماتی که خودشان به عنوان مدیران شرکت اتخاذ و عملی می‌کنند. در حالت اول قطعاً مسئولیت با شرکت است و نفع و ضرر تصمیمات به کل شرکت و سهام‌داران می‌رسد؛ اما برای بررسی حالت دوم لازم است به ماده ۱۳۵ لایحه قانون تجارت توجه شود. «کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیر عامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است و نمی‌توان به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب آن‌ها اعمال و اقدامات آنان را غیر معتبر دانست». مطابق بخش اول ماده مورد اشاره، که اقدامات مدیران شرکت در برابر اشخاص ثالث معتبر است و نمی‌توان با بهانه‌هایی مثل اینکه مدیر عامل بدون تشریفات انتخاب شده است، اعمال او را غیر نافذ دانست.

۵-۱-۴. غیر قابل استناد بودن بطلان معامله

«ابتدا ذکر این نکته ضروری می‌نماید که در متن ماده ۲۷۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت مانند ماده ۱۲۹ و ۱۱۸ آن، منظور از «شخص ثالث» کسی است که نماینده شرکت یا در شمار ارکان تصمیم‌گیرنده و اعضای آن به‌شمار نمی‌آید و برعکس طرف قرارداد با شرکت است و نباید آن را به معنی متعارف شخص ثالث (یعنی شخصی که در معامله دخالت ندارد) گرفت» (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ج ۲، ۳۰۶).

«همان‌طور که گفته شد مطابق ماده ۲۷۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت امکان ابطال معامله خارج از موضوع شرکت وجود دارد؛ اما این ابطال قابل استناد نیست. سؤالاتی که در این خصوص مطرح می‌شود این است که اولاً آیا هیچ‌کدام از طرفین معامله (شرکت و اشخاص ثالث) نمی‌توانند به بطلان معامله در مقابل دیگری استناد نمایند با اینکه حکم مذکور فقط شامل یکی از طرفین یعنی شرکت می‌شود؟ ثانیاً، مفهوم عدم قابلیت استناد چیست؟ برخی حقوق‌دانان غیر قابل استناد بودن بطلان معامله خارج از موضوع شرکت را این‌گونه تعبیر نموده‌اند که برغم مطلق بودن بطلان، اشخاص ثالث می‌توانند از کسانی که مسئول بطلان بوده‌اند خسارات وارده به خود را اخذ نمایند و مقنن به اشخاص ثالث حق داده تا علیه کسانی که مسئول بطلان بوده‌اند «دعوی مسئولیت» اقامه نمایند» (عرفانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ۱۵۰-۱۵۱). «نظر فوق صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا اینکه اشخاص ثالث بتوانند جهت جبران خسارات وارده، علیه کسانی که بطلان منتسب به تخلف آن‌هاست و به‌ویژه مدیران شرکت، اقامه دعوی نمایند، منافاتی با این امر که

حکم بطلان در مقابل آن‌ها نیز قابل استناد باشد، ندارد. اصولاً، در تمام مواردی که یک عقد باطل است طرف مقصر مکلف به جبران خسارت طرفی می‌باشد که زیان دیده است. این تکلیف ناشی از مسئولیت قراردادی نیست که با بطلان قرارداد طرفین بتوانند از آن شانه خالی کنند؛ بلکه به‌موجب قواعد مسئولیت مدنی متوجه شخص گردیده و از مصادیق ضمان قهری به‌شمار می‌آید. پیش‌بینی ضمان و الزام منتفع به پرداخت اجرت المثل و خسارات حاصله از عقد فاسد در مواد ۳۳۶، ۳۳۷ و ۴۹۴ قانون مدنی و حکم ضمان درک مبیع و ثمن و وظیفه قانونی بر رد مبیع به صاحب آن در بیع فاسد به‌موجب مواد ۳۶۲ و ۳۶۶ همان قانون نشان‌دهنده آن است که قابلیت استناد به بطلان یک معامله بین طرفین، مانع درخواست جبران خسارت از سوی طرف زیان‌دیده نمی‌شود» (کاتوزیان، ۱۳۶۲، ۵۴۵-۵۰۳). «در معاملات فضولی نیز هرچند ضمانت اجرای رد معامله توسط مالک بطلان مطلق معامله است؛ اما قانون‌گذار در مواد ۲۵۹، ۲۶۱ و ۲۶۲ قانون مدنی، در این حالت، ضمانت مشتری در مقابل مالک و نیز امکان رجوع مشتری به بایع فضولی را برای استرداد ثمن و جبران خسارات وارده پیش‌بینی نموده است. در نزدیکی به شبهه اگرچه فساد نکاح در مقابل زن و مرد هر دو قابل استناد است؛ اما مطابق ماده ۱۰۹۹ قانون مدنی، با وقوع نزدیکی، زن مستحق مهرالمثل می‌گردد. حتی در مورد حکم مندرج در ماده ۲۷۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت که بی‌شک و از نظر برخی حقوق‌دانان نیز در مقابل صاحبان سهام قابل استناد است، ماده ۲۷۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت که ناظر به ماده ۲۷۰ آن است، این حق را به صاحبان سهام

داده است که از مسببین بطلان تقاضای جبران خسارت نمایند» (عرفانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ۱۵۹).

ماده ۲۵۲ قانون مدنی در این زمینه که آیا اصیل می‌تواند رأساً و بی آنکه رد یا قبول معامله توسط مالک اعلام شده باشد، معامله را برهم زند یا نه می‌گوید: «لازم نیست اجازه یا رد فوری باشد. اگر تأخیر موجب تضرر طرف اصیل باشد مشارالیه می‌تواند معامله را به هم بزند». به نظر یکی از حقوق‌دانان مفهوم مخالف قسمت اخیر ماده ۲۵۲ «التزام اصیل را در مواردی که تأخیر موجب تضرر او نباشد، به خوبی می‌رساند» (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ج ۲، ۱۴۳) «به تعبیر دیگر از ماده فوق‌الذکر استنباط می‌شود که اصیل قاعدتاً به قرارداد ملتزم است و آن را صرفاً به جهت فضولی بودن نمی‌تواند برهم زند» (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۱۹۶).

اکنون و با توجه به رویه اتخاذ شده توسط قانون‌گذار ایران در معاملات فضولی، در معاملات خارج از موضوع شرکت نیز باید قائل به آن شد که اشخاص ثالث حق استناد به تخلف مدیران و بطلان معامله در مقابل شرکت را ندارند؛ زیرا اگر در یک معامله خارج از موضوع، شرکت را در حکم «مالک» و مدیران را در حکم «فضول» قرار دهیم اشخاص ثالث «اصالتاً» طرف معامله قرار گرفته‌اند و مستفاد از ماده ۲۵۲ قانون مدنی اصل این است که به مفاد عقد پای‌بند خواهند بود. «هم‌چنین، اینکه مقنن در قسمت آخر ماده ۲۷۰ لایحه اصلاحی صراحتاً اعلام داشته است که حکم بطلان معامله در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست، مستلزم این پیش فرض است که این گونه اشخاص هیچ‌گاه نتوانند در دعوای مربوط به ابطال معامله به عنوان ذی‌نفع مطرح شوند. در غیر

این صورت چنانچه در موردی این گونه اشخاص خود تقاضای ابطال معامله را کنند دیگر حکم کلی مندرج در قسمت اخیر ماده ۲۷۰ مبنی بر غیر قابل استناد بودن حکم ابطال در مقابل آن‌ها، بلاوجه خواهد بود؛ مگر آنکه این تعارض آشکار را بپذیریم که شخص ثالث هم بتواند باستناد باطل بودن قرارداد از اجرای تعهدات خویش شانه خالی کند و هم بتواند به استناد حکم مندرج در قسمت اخیر ماده ۲۷۰ مبنی بر غیر قابل استناد بودن بطلان معامله در مقابل اشخاص ثالث، اجرای مفاد عقد را از شرکت بخواهد» (عرفانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ۱۵۰).

«با توجه به آنچه گفته شد منظور مقنن از غیر قابل استناد بودن حکم بطلان در ماده ۲۷۰ نسبت به اشخاص ثالث باید چیزی غیر از امکان مطالبه خسارت از سوی این گونه اشخاص باشد. به نظر می‌رسد وقتی قانون‌گذار می‌گوید که حکم بطلان در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست، مقصود آن است که در رابطه با اشخاص ثالث وضعیت به گونه‌ای خواهد بود که انگار حکم بطلان صادر نشده است. نتیجه چنین وضعیتی صحت معامله نسبت به اشخاص ثالث و امکان استناد به معامله و درخواست اجرای مفاد آن از سوی آن‌هاست. به عبارت دیگر حکم بطلان در روابط داخلی شرکت به ویژه روابط میان مدیران و شرکت و اعضای آن قابل استناد است و به موجب آن معامله باطل محسوب می‌شود؛ اما از نقطه نظر روابط خارجی شرکت معامله محکوم به صحت است و اعضا و ارکان شرکت نمی‌توانند به بطلان آن استناد نمایند» (حسینی، ۱۳۷۸، ۱۲۰) «عدم قابلیت استناد» یکی از وضعیت‌های اعمال حقوقی است. قدر مشترک همه اعمال غیر قابل

«آنچه از ماده ۲۷۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت راجع به ضمانت اجرای معاملات خلاف قانون در شرکتهای سهامی می‌توان استنباط کرد این است که اولاً چنین معاملاتی قابل ابطال است، ثانیاً بطلان این معاملات در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست. از آنجا که این امور یعنی بطلان یک عمل و در عین حال قابل استناد نبودن این بطلان در برابر برخی افراد، آثاری است که بر هیچ‌یک از ضمانت اجرای معهود و شناخته‌شده در حقوق ایران از قبیل بطلان مطلق، عدم نفوذ و قابلیت فسخ قابل حمل نمی‌باشد. به نظر می‌رسد در توجیه مبنای حکم ماده ۲۷۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت باید به نظریه بطلان نسبی که در حقوق غرب تکوین یافته است متوسل شد» (عبادی، ۱۳۷۳، ۱۱۴). حکم ماده ۲۷۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت عام است و ضمانت اجرای تمام معاملات و اقداماتی را در بر می‌گیرد که توسط هر یک از ارکان شرکت با تخلف از مقررات قانونی صورت گرفته باشد. چون معامله‌ای که توسط مدیران و با تجاوز از حدود موضوع شرکت انجام گیرد، متضمن تخلف از مقررۀ مندرج در ماده ۱۱۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت مبنی بر لزوم اقدام در چهارچوب موضوع شرکت است، از مصادیق حکم ماده ۲۷۰ خواهد بود و لذا هر ذی‌نفع می‌تواند ابطال چنین معامله‌ای را از دادگاه درخواست کند. نکته‌ای که در تفسیر ماده ۲۷۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت باید در نظر داشت این است که مقنن ایران در ماده مذکور اصطلاح بطلان را در معنای رایج‌اش در حقوق مدنی به کار نبرده است؛ زیرا در حقوق مدنی به‌طور کلی منظور از بطلان عقد ضمانت اجرایی است که به‌موجب آن اصولاً عقد در عالم خارج موجود فرض نمی‌شود. عقد باطل واجد هیچ‌گونه اثری نیست. بنابراین، امکان

استناد، «اعتبار» میان طرفین عمل حقوقی و «بی اعتباری» نسبت به تمام یا برخی از اشخاص ثالث است. در حقوق ایران، مصادیق پراکنده‌ای از این مفهوم به چشم می‌خورد. با وجود این، گاهی مرز «عدم قابلیت استناد» با دیگر مفاهیم مشابه در می‌آمیزد.

۵-۱-۵. ضمانت اجرای تخلف معامله با اشخاص ثالث

«در حقوق ایران به‌ویژه حقوق مدنی، اینکه یک عقد نسبت به برخی اشخاص باطل و نسبت به برخی دیگر صحیح باشد، تعبیری بیگانه است. از همین رو در توجیه مطلب فوق متوسل به مفهوم بطلان نسبی شده‌ایم که یکی از ضمانت اجرای شناخته‌شده در حقوق غرب است» (کاتوزیان، ۱۳۷۲، ج ۱، ۴۷۳-۴۷۲). «قدر متیقن آنچه تا کنون گفته شد این است که لزوم رعایت موضوع شرکت مقرره‌ای است قانونی که مدیران شرکت‌ها در اتخاذ تصمیمات و انجام معاملات باید از آن تبعیت کنند. حال چنانچه مدیران شرکت از حکم این مقررۀ تخلف ورزند، ضمانت اجرای آن را باید در عموم ماده ۲۷۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت جست‌وجو کرد» (کاتبی، ۱۳۸۹، ۸۳). در این ماده آمده است: «هر گاه مقررات قانونی در مورد تشکیل شرکت سهامی یا عملیات آن یا تصمیماتی که توسط هر یک از ارکان شرکت اتخاذ می‌گردد رعایت نشود بر حسب مورد بنا به درخواست هر ذینفع بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور به حکم دادگاه اعلان خواهد شد لیکن مؤسسين و مدیران و بازرسان و صاحبان سهام شرکت نمی‌توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند».

یکن تلقی می‌کند. در تجزیه و تحلیل بند ۱ ماده A ۳۵ اشاره به نکات زیر ضروری است:

نکته اول این است که بند ۱ ماده A ۳۵ نه تنها شخص ثالث را در برابر محدودیت‌هایی که اساس نامه شرکت بر اختیارات مدیران وارد می‌کند، حمایت می‌کند؛ بلکه به موجب بند ۳ همین ماده، حکم مندرج در بند ۱ شامل محدودیت‌هایی نیز می‌شود که توسط مصوبات مجمع عمومی و تصمیمات سهام‌داران ایجاد می‌شود (گوور، ۱۹۹۲، ۱۸۰).

نکته دوم این است که حمایت مندرج در بند ۱ فقط به نفع شخص ثالث قابل اجرا است، یعنی اگر شرکت بخواهد با استناد به تجاوز مدیران از حدود اختیاراتشان، از اجرای قرارداد خودداری ورزد، ادعای شرکت پذیرفته نخواهد شد و قرارداد نسبت به شرکت الزام‌آور خواهد بود؛ اما در فرضی که شخص ثالث بخواهد به تخلف مدیران از محدودیت‌های مورد بحث استناد کند تا خود را از تعهدات ناشی از قرارداد رها سازد، در این صورت شرکت اصولاً نیازی به حمایت ندارد. زیرا شرکت همیشه می‌تواند با تصویب عمل نماینده خویش آن را پذیرفته و اجرا کند (مورس، ۱۹۹۱، ۱۱۶). نکته قابل ذکر بعدی این است که حکم مندرج در بند ۱ فوق‌الذکر نه تنها شامل خود هیئت مدیره می‌شود؛ بلکه اعمال کسانی را نیز در بر می‌گیرد که از سوی هیئت مدیره، اجازه انجام این‌گونه اعمال و ایجاد تعهد برای شرکت، به آن‌ها داده شده است. به عنوان نمونه می‌توان از مدیر عامل شرکت و مقامات و صاحب‌منصبان اجرایی نام برد (گوور، ۱۹۹۲، ۱۷۸).

بند ۱ ماده A ۳۵ شرائطی را در بر دارد که ماده ۳۵ اولیه قانون شرکت‌ها مصوب ۱۹۸۵ جهت حمایت از

ترمیم و تصحیح بعدی این عقد نیز وجود نخواهد داشت. اما قانون‌گذار ایران در مواد ۲۷۱ و ۲۷۲ لایحه قانون تجارت، امکان رفع موجبات بطلان عملیات و تصمیماتی را که به دلیل تخلف از مقررات قانونی از دادگاه تقاضای ابطال آن شده است، پیش‌بینی کرده است. به موجب ماده ۲۷۱: «در صورتی که قبل از صدور حکم بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات آن در مرحله بدوی موجبات بطلان مرتفع شده باشد دادگاه قرار سقوط دعوای بطلان را صادر خواهد کرد».

۵-۲. حمایت از اشخاص ثالث در نقض مقررات شرکت‌های سهامی در حقوق انگلیس

در این قسمت به بررسی حمایت از اشخاص ثالث در نقض مقررات شرکت‌های سهامی در حقوق انگلیس پرداخته می‌شود.

۵-۲-۱. غیر قابل استناد بودن در مقابل اشخاص ثالث با حسن نیت

در بند ۱ ماده ۳۵۹ آمده است: «به نفع شخص ثالثی که با حسن نیت با یک شرکت معامله می‌کند، اختیار هیئت مدیره جهت متعهد کردن شرکت، یا اجازه دادن به دیگران برای انجام چنین کاری، از هر گونه محدودیت به موجب اساس نامه شرکت، آزاد فرض خواهد شد».

بند فوق‌الذکر صراحتاً محدودیت‌هایی را که به وسیله اساس نامه شرکت نسبت به اختیارات مدیران ایجاد می‌شود در مقابل اشخاص ثالث با حسن نیت کان لم

سوءنیت نیست. بنابراین برای احراز سوءنیت کسی که طرف معامله شرکت است، لازم است چیزی بیش از آگاهی او بر تخلف مدیران اثبات شود. حقوق دانان انگلیس در اینکه سوءنیت شخص ثالث چگونه باید اثبات شود اختلاف نظر دارند. اما بنظر می‌رسد اموری از قبیل تدلیس و القای شبهه مزورانه و متقلبانه و یا تبانی و سازش شخص ثالث با مدیر شرکت جهت تخلف مدیر از حدود اختیاراتش، از جمله قرائن سوءنیت شخص ثالث به‌شمار آیند. لذا عناصر و عواملی که حاکی از سوءنیت شخص ثالث خواهد بود، در هر دعوی، باید توسط دادگاه تمیز و تشخیص داده شوند (مورس، ۱۹۹۱، ۱۱۶). شاید به‌عنوان یک قاعده کلی بتوان گفت همان‌گونه که قاضی نورس (Nourse) اعلام کرده است.

«یک شخص با حسن نیت عمل نموده اگر با توجه به اوضاع و احوال قضیه با وثاقت (genuinely) و شرافتمندانه (honestly) رفتار کرده است». به‌هرحال باید توجه داشت این شرکت است که باید سوءنیت شخص ثالث را اثبات کند؛ زیرا مطابق قسمت C بند ۲ ماده ۳۵۸ فرض می‌شود که شخص ثالث با حسن نیت عمل نکرده است؛ مگر اینکه خلاف آن اثبات شود. لازم به ذکر است شخص ثالث الزامی به تحقیق و تفحص در مورد حدود اختیارات مدیران شرکت ندارد. ماده ۳۵B که در سال ۱۹۸۹ به قانون شرکت‌ها افزوده شده است در این زمینه می‌گوید: «یک شخص طرف معامله با شرکت ملزم نیست، درباره اینکه آیا آن معامله به‌وسیله اساس‌نامه شرکت اجازه داده شده است یا درباره هر گونه محدودیت وارده بر اختیارات هیئت مدیره جهت متعهد ساختن

اشخاص ثالث لازم می‌دانست. از جمله این شرائط یکی «حسن نیت» شخص ثالث و دیگر وقوع «معامله» است. دو اصطلاح "good faith" و "dealing" (حسن نیت و معامله) مسائل تفسیری زیادی را برای حقوق دانان و قضات انگلیس ایجاد کرد و به‌کارگیری آن‌ها از سوی مقنن انتقادات شدیدی را در پی داشت. ماده ۳۵A برای برطرف کردن هر گونه ابهامی در بند ۲ خود اصطلاحات مذکور را توضیح داده است. در این بند آمده است:

«برای این منظور (a) یک شخص با شرکت معامله کرده است. اگر او طرف هر گونه قرارداد یا عمل دیگری باشد که شرکت یک طرف آن است؟ (b) یک شخص فقط به‌دلیل آگاهی‌اش از اینکه یک عمل، مطابق اساس‌نامه شرکت، ورای اختیارات مدیران است، به‌عنوان کسی که با سوءنیت رفتار نموده است در نظر گرفته نخواهد شد و (C) فرض خواهد شد یک شخص با حسن نیت رفتار کرده است؛ مگر اینکه خلاف آن اثبات شود» (گوور، ۱۹۹۲، ۱۷۹).

با توجه به قسمت بند ۲ ماده ۳۵A مشخص می‌شود که در این ماده معنای موسع کلمه dealing مورد نظر قانون‌گذار است. تا آنجا که هر گونه قرارداد و عمل حقوقی را که توسط مدیران انجام می‌گیرد شامل می‌شود. بنابراین معاملات غیر معوض و اعمال خیرخواهانه نیز مشمول حکم ماده می‌شود (مورس، ۱۹۹۱، ۱۱۶).

برای اینکه شخص ثالث از حمایت مندرج در ماده ۳۵A برخوردار شود مطابق بند ۱ این ماده باید با حسن نیت رفتار نموده باشد. حال قسمت B بند ۲ بیان‌کننده این مطلب است که صرف علم شخص ثالث بر تجاوز مدیران از حدود اختیاراتشان اماره

شرکت با اجازه دادن به دیگران برای چنین کاری، تفحص نماید».

ماده B ۳۵ گام مهمی در نسخ نظریه اخطار حکمی که در کامن لا رایج بود، برداشت؛ اما نسخ کامل این نظریه توسط ماده A ۷۱۱ (ماده ۱۴۲ قانون شرکت‌ها مصوب ۱۹۸۹) صورت گرفته است. این ماده در بند ۱ خود می‌گوید: «یک شخص از هیچ موضوعی، صرفاً به علت افشای آن موضوع در سندی که در اداره ثبت شرکت‌ها نگه‌داشته می‌شود (و از این‌رو، جهت تفحص، در دسترس است) یا به وسیله شرکت جهت تفحص مهیا شده است، آگاه فرض نمی‌شود».

ذکر این نکته ضروری است که اعمال ماده A ۳۵ توسط ماده ۳۲۲A قانون شرکت‌ها و ماده ۳۵B قانون مؤسسات خیریه به شرحی که در مورد ماده ۳۵ گفته شد، محدود شده است. یعنی هنگامی که شخص طرف معامله مدیر خود شرکت یا مدیر شرکت مرکزی آن با وابستگان آن‌ها و یا شرکتی باشد که مدیر در آن سهام است و نیز هنگامی که شرکت خیریه است حمایت مندرج در ماده ۳۵A در دسترس نخواهد بود (مورس، ۱۹۹۱، ۱۲۰) با توجه به بندهای ۱ تا ۳ ماده A35 تجاوز مدیران از حدود اختیاراتشان در مقابل اشخاص ثالث با حسن نیت قابل استناد نیست؛ اما این‌گونه تخلفات از نظر روابط داخلی شرکت و مدیران چه ضمانت اجرایی دارد و نتایج این‌گونه معاملات از این نقطه‌نظر چیست؟ در پاسخ باید گفت محدودیت‌هایی که توسط اساس‌نامه شرکت یا مصوبات مجمع و توافق سهام‌داران در اختیار مدیران ایجاد می‌شود هم‌چنان از نقطه‌نظر روابط داخلی شرکت، نسبت به مدیران الزام‌آور خواهد بود و محدودیت‌های مذکور یک حق قراردادی

برای اعضای شرکت ایجاد می‌کند بگونه‌ای که از بین بردن نتایج خارجی این محدودیت‌ها، تأثیری در حق اعضای شرکت جهت اقامه دعوی و درخواست صدور قرار برای جلوگیری از نقض اختیارات توسط مدیران با مسئول شناختن آن‌ها نخواهد گذاشت. چنین حقی در بند ۴ و ۵ ماده A35 برای اعضای شرکت پیش‌بینی شده است. البته در این مورد نیز هم‌چنان که در خصوص بند ۲ ماده ۳۵ جدید گفته شد اگر شرکت در نتیجه معامله‌ای که قبلاً انعقاد یافته متعهد شده است سهام‌داران دیگر نمی‌توانند مانع اجرای تعهدات ناشی از قرارداد شوند، به بیان دیگر سهام‌داران فقط می‌توانند از تحقق معاملات در شرف وقوع جلوگیری کنند.

۵-۲-۲. ضمانت اجرای تخلف معامله با اشخاص ثالث

با توجه به بندهای ۱ تا ۳ ماده A35 تجاوز مدیران از حدود اختیاراتشان در مقابل اشخاص ثالث با حسن نیت قابل استناد نیست؛ اما این‌گونه تخلفات از نظر روابط داخلی شرکت و مدیران چه ضمانت اجرایی دارد و نتایج این‌گونه معاملات از این نقطه‌نظر چیست؟ در پاسخ باید گفت محدودیت‌هایی که توسط اساس‌نامه شرکت یا مصوبات مجمع و توافق سهام‌داران در اختیار مدیران ایجاد می‌شود، هم-چنان از نقطه‌نظر روابط داخلی شرکت، نسبت به مدیران الزام‌آور خواهد بود و محدودیت‌های مذکور یک حق قراردادی برای اعضای شرکت ایجاد می‌کند به‌گونه‌ای که از بین بردن نتایج خارجی این محدودیت‌ها، تأثیری در حق اعضای شرکت جهت اقامه دعوی و درخواست صدور قرار برای جلوگیری

معامله‌کنندگان با شرکت هر یک نمی‌توانند اساس-نامه و تصمیمات مجمع عمومی را به‌دست آورند و حدود اختیارات مدیران را بدانند. از این جهت قانون تجارت مقرر داشته است جز درباره موضوعاتی که به‌موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آنان در صلاحیت خاص مجمع عمومی است، مدیران شرکت دارای همه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت هستند مشروط بر اینکه تصمیمات و اقدامات آن‌ها در حدود موضوع شرکت باشد.

۶. نتیجه

در قوانین ایران و انگلیس از چشم‌اندازی نوین به «موضوع» شرکت‌ها نگریسته شده است به‌گونه‌ای که در قوانین دو کشور، اگرچه دیگر «موضوع» مبنای اهلیت شرکت تلقی نشده است؛ اما به‌عنوان محدودیتی که مدیران باید در اقدامات خویش حدود آن را رعایت کنند، هم‌چنان نقش تعیین‌کننده خود را حفظ کرده است. قانون‌گذار انگلیس، با تدوین ماده ۳۵ در قانون شرکت مصوب ۱۹۸۵، اشخاص ثالثی را که با حسن نیت طرف معامله شرکت قرار می‌گیرند مورد حمایت قرارداد و معاملات آن‌ها را مورد حمایت قرار داد. در حقوق انگلیس، مطابق بند ۱ ماده ۳۵ جدید همه معاملات که مدیران شرکت‌ها واقع می‌سازند در روابط خارجی شرکت و نسبت به اشخاص ثالث، از حیث وجود اهلیت لازم برای انعقاد، معتبر فرض می‌شوند و به استناد مندرجات اساس-نامه شرکت، به‌ویژه بند راجع به موضوع، نمی‌توان اعتبار یک معامله را بر مبنای عدم اهلیت زیر سؤال برد.

از نقض اختیارات توسط مدیران با مسئول شناختن آن‌ها نخواهد گذاشت. چنین حقی در بند ۴ و ۵ ماده ۳۵A برای اعضای شرکت پیش‌بینی شده است.

در این مورد نیز هم‌چنان که در خصوص بند ۲ ماده ۳۵ جدید گفته شد اگر شرکت در نتیجه معامله‌ای که قبلاً انعقاد یافته است متعهد شده است سهام‌داران دیگر نمی‌توانند مانع اجرای تعهدات ناشی از قرارداد شوند. به‌بیان دیگر سهام‌داران فقط می‌توانند از تحقق معاملات در شرف وقوع جلوگیری کنند. اعتباری که بر اساس ماده ۳۵A به قرارداد اعطا می‌شود تأثیری در مسئولیت مدیران نخواهد داشت. بنابراین سهام‌داران می‌توانند برای جبران خسارات وارده علیه مدیران اقامه دعوی کنند (مورس، ۱۹۹۱، ۱۲۰). به نظر می‌رسد معاملاتی که توسط مدیران با تخلف از حدود اختیاراتشان منعقد می‌شود به‌وسیله شرکت و از طریق یک مصوبه عادی قابل تصویب باشد. البته اگر معامله و راه اختیارات شرکت باشد در این صورت با توجه به بند ۳ ماده ۳۵ جدید تصویب آن نیاز به مصوبه ویژه دارد. هم‌چنین اگر شرکت بخواهد مدیران را از مسئولیت خویش معاف کند باید مصوبه‌ای ویژه تصویب کند (قسمت آخر بند ۳ ماده ۳۵ جدید ۱۳۹) (گوور، ۱۸۰، ۱۹۹۲).

معاملات مدیران نسبت به اشخاص ثالث در فرضی که سمت مدیران از نظر طرز انتخاب و یا مدت آن قابل مناقشه نباشد اصولاً صحیح است و نمی‌توان به آن خدشه‌ای وارد نمود. برخی حقوق‌دانان بر این نظرند که اساس‌نامه شرکت بعضی اوقات مدیران را از عمل به خصوصی نهی و یا اقدام آن‌ها را موقوف به تصویب مجمع عمومی می‌کنند؛ مانند رهن‌گذاران اموال شرکت و امثال آن. چون اشخاص خارج و

آن‌ها واجد اعتبار است و علی‌هذا می‌توانند از شرکت اجرای مفاد معاملات موصوف را بخواهند.

به نظر نمی‌رسد ضمانت اجرای بطلان نسبی که در ماده ۲۷۰ لایحه اصلاحی برای معاملات خارج از موضوع شرکت‌های سهامی مقرر شده است منظور فوق را تأمین کند. درست است که مطابق ماده مذکور علیرغم غیر قابل استناد بودن بطلان معاملات خارج از موضوع شرکت در مقابل اشخاص ثالث، مدیران مسئول خساراتی هستند که در نتیجه چنین معاملاتی به شرکت وارد می‌آید؛ اما این مسئولیت منوط به پیگیری شرکت و اعضای آن و ابطال معامله توسط دادگاه است. از آنجا که بعید است شرکت یا سهام‌داران، در صورت سودآور بودن معامله، به چنین اقدامی مبادرت ورزند، عملاً، مدیران شرکت‌های سهامی در خروج از حدود موضوع شرکت به‌ویژه هنگامی که معاملات سودآوری مطرح باشد خطری احساس نخواهند کرد و نبودن یک ضمانت اجرای قوی رغبت آن‌ها را در تخلف از قلمرو موضوع شرکت افزون می‌سازد.

قانون‌گذار ایران در تعیین ضمانت اجرا برای تخلف مدیران از محدودیت مرتبط با موضوع شرکت لازم است به مسئله نظم عمومی به‌ویژه از جنبه اقتصادی توجه بیشتری کند و بدین‌منظور اگرچه معتبر دانستن معاملات خارج از موضوع شرکت در مقابل اشخاص ثالث جهت ایجاد ثبات در روابط حقوقی معقول بنظر می‌رسد، اما ضروری است با پیش‌بینی مسئولیت کیفری برای مدیرانی که این‌گونه معاملات را منعقد می‌کنند، به چنین تخلفی حیثیت عمومی ببخشد به گونه‌ای که عدم تمایل شرکت و اعضای آن

اگرچه بند ۲ ماده فوق‌الذکر امکان جلوگیری از انجام معاملات خارج از موضوع در شرف انعقاد را از طریق درخواست صدور یک قرار توسط اعضای شرکت پیش‌بینی کرده است، بند ۳ همین ماده تصویب معامله خارج از موضوع را توسط مجمع عمومی شرکت از طریق یک مصوبه ویژه مجاز می‌داند. علاوه- بر آنکه، شرکت می‌تواند با یک مصوبه ویژه جداگانه مدیران را از مسئولیتی که ممکن است بابت خسارات ناشی از چنین معاملاتی گریبان‌گیرشان شود معاف کند.

در حقوق ایران نیز ملاحظه شد که از مواد مختلف قانون تجارت و لایحه اصلاحی این قانون می‌توان استنباط کرد که قانون‌گذار اصل تخصص را به مفهومی که نزد علمای حقوق رایج است در خصوص شرکت‌های تجاری قابل اجرا نمی‌داند. زیرا در ماده ۵۸۸ قانون تجارت که در مقام بیان محدودیت‌های وارده بر اهلیت اشخاص حقوقی است از موضوع شرکت سخنی به‌میان نیاورده است و در ماده ۱۱۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت نیز به موضوع شرکت به‌عنوان محدودیتی که مدیران شرکت‌های تجاری در اقدامات خویش باید آن را رعایت کند توجه کرده است. باین‌حال ضمانت اجرای تخلف مدیران از این محدودیت، برخلاف مدلول اصل تخصص، بطلان اقدامات انجام‌شده نخواهد بود؛ بلکه مستنبط از ماده ۲۷۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت، اگرچه شرکت و اعضای آن می‌توانند از دادگاه بطلان معاملاتی را که مدیران با تجاوز از موضوع شرکت منعقد می‌سازند بخواهند، این بطلان در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست و این‌گونه معاملات هم‌چنان نسبت به

جهت اقامه دعوی علیه مدیران متخلف، باعث افزایش انجام معاملات مورد بحث توسط مدیران نشود.

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به‌صورت برابر در نوشتن پژوهش حاضر شرکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در نگارش و چاپ این مقاله تضاد منافع وجود ندارد.

منابع

فارسی

- کاتبی، حسین‌قلی، حقوق تجارت، چاپ پنجم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۹.

- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی (اعمال حقوقی) چاپ سوم، تهران، نشر شرکت انتشار، ۱۳۷۴.

- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها (انعقاد و اعتبار قرارداد - نظریه بطلان و عدم نفوذ)، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، شرکت انتشار، ۱۳۷۱.

- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (مسئولیت مدنی - ضمان قهری)، چاپ اول، تهران، کتابفروشی دهخدا، ۱۳۶۲.

- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها (مفهوم عقد انعقاد و اعتبار قرارداد)، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات به‌نشر، ۱۳۷۲.

- کیایی، کریم، حقوق بازرگانی، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات بینا، ۱۳۵۰.

- محسنی، سعید؛ قبولی درافشان، محمدمهدی، «مسئولیت ناشی از صدور سند تجاری به نمایندگی با رویکردی به شرکت‌های تجاری»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، شماره اول، ۱۳۹۴.

لاتین

- Davies, Paul, Gower: Principles of Modern Company Law, 15th edition, London, published Sweet & Maxwell, 1992.

- Morse, Geoffrey, Charlesworth and Morse company Law, 14th edition, London, published sweet & Maxwell, 1991.

- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت (شرکت‌های تجاری)، جلد دوم، چاپ ششم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۳.

- بازگیر، یدالله، موازین حقوق تجارت در آرای دیوان عالی کشور، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸.

- حسنی، حسن، حقوق تجارت، جلد اول، چاپ ششم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷.

- حسنی، حسن، حقوق تجارت، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۰.

- حیدرپور، البرز، محدودیت‌های مدیران شرکت‌ها در انجام معاملات، چاپ اول، اهواز، انتشارات مه‌زیار، ۱۳۸۲.

- زمانی کشتلی، مجید، «مسئولیت مدنی مدیران و بازرسان شرکت سهامی عام»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه قم، ۱۳۷۶.

- صفری، محمد، حقوق بازرگانی اسناد شرکت سهامی، چاپ پنجم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷.

- عبادی، محمدعلی، حقوق تجارت، چاپ دهم، تهران، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۷۳.

- عرفانی، محمود، حقوق تجارت (شرکت‌های سهامی عام و خاص)، جلد دوم، چاپ هفتم، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۴.

- عیسایی تفرشی، محمد، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری، جلد دوم، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۶.

- فرحناکیان، فرشید، قانون تجارت در نظم کنونی، چاپ پنجم، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۷۸.